



Analysis of Signs and Indicators of Political Instability and the Collapse of the Zionist Regime

Amir Abbasi Khoshkar

PhD in International Relations, University of Tehran.

a.abbasi.khoshkar@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The formation of the Zionist regime was based on the support of the hegemonic system and violence against the Palestinians as the original inhabitants of the land of Palestine. The wars between the Zionist regime and the Arabs, as well as the occupation of Palestinian territories, have always been part of the violent history of the Zionist regime in the occupied territories. The several-decade-long existence of this regime has been sustained due to the support of imperialist powers and Western-supplied weaponry. Despite the exorbitant security costs that the Zionist regime incurs annually, it faces numerous security challenges. What the author seeks in this article is to examine and study the fundamental factors that create security challenges threatening the survival of the Zionist regime. The research question of this study is: What are the security challenge factors that threaten the political survival of the Zionist regime? In response to this question, the following hypothesis is proposed: The factors contributing to the collapse of the Zionist regime include peripheral insecurity and regional isolation, structural internal discrimination, and political stability crises. The research method in this article is descriptive-explanatory, and a documentary method has been used to collect data.

Keywords: Zionist Regime, Political Decline, Regional Order, Security Identity, Axis of Resistance, Military Deterrence.

**مقاله پژوهشی****بررسی و تحلیل علایم و نشانه‌های تزلزل سیاسی و فروپاشی رژیم صهیونیستی**

امیر عباسی خوشکار

دکترای روابط بین الملل دانشگاه تهران.

a.abbasi.khoshkar@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

ساکتین اصلی سرزمین فلسطین صورت گرفت. جنگ‌های رژیم صهیونیستی و اعراب و تصرف سرزمین‌های فلسطینی همواره بخشی از تاریخچه خشونت‌بار رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی بوده است. عمر چند دهه‌ای این رژیم با توجه به حمایت‌های قدرت‌های استکبار و تسلیحات اعطایی غربی به طول انجامیده است. علی‌رغم هزینه‌های امنیتی گزافی که رژیم صهیونیستی هر ساله متحمل می‌شود چالش‌های امنیتی بسیاری نیز متوجه آن است. آنچه در این مقاله نگارنده دنبال کرده است، بررسی و مطالعه عوامل اساسی چالش‌ساز امنیتی بر سر راه حیات رژیم صهیونیستی است. سؤال پژوهش حاضر این است که عوامل چالش‌ساز امنیتی در برابر بقای سیاسی رژیم صهیونیستی چیست؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که عوامل سبب‌ساز فروپاشی رژیم صهیونیستی شامل ناامنی پیرامونی و انزوای منطقه‌ای، تبعیض‌های ساختار داخلی و بحران ثبات سیاسی می‌شود. روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی-تبیینی است و از روش اسنادی جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان اصلی: رژیم صهیونیستی، زوال سیاسی، نظم منطقه‌ای، هویت امنیتی، محور مقاومت، بازدارندگی نظامی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi: 10.22034/irsj.2024.434585.1030

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی واقع در خوشه شامات، سرآغاز تحولات ژئوپلیتیکی خون‌باری بوده است که با طی نزدیک به هفت دهه به ابعاد آن افزوده شده است. رژیم صهیونیستی با کشتار مردم غزه و ثبت کارنامه جنایت‌های گسترده علیه بشریت سبب افزایش خشم مسلمانان منطقه غرب آسیا شده است. حمایت آمریکا از خشونت‌های ضد انسانی رژیم صهیونیستی سبب شده است تا ابعاد حضور مخرب این رژیم برای همسایه‌ها و کشورهای منطقه پرهزینه باشد. انقلاب اسلامی ایران یکی از بازیگران منطقه‌ای است که پس از اضمحلال رژیم پهلوی، همواره از سیاست‌های منطقه‌ای صهیونیست‌ها انتقاد کرده و فروپاشی این رژیم را نزدیک دانسته است. تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی ریشه در آرمان‌های انقلاب اسلامی و ریشه‌های هویتی این انقلاب دارد.

نطفه آغازین رژیم صهیونیستی با جنگ‌های خشونت‌بار با همسایگان و آوارگی ساکنین فلسطینی همراه بود و ادامه آن به تشدید ناامنی در منطقه غرب آسیا منجر شده است. برخی از محققان، رژیم صهیونیستی را واحدی پادگانی و مردمی مسلح می‌دانند که از هویتی امنیتی و متزلزل برخوردار است. مردمی مسلح با نظام سیاسی تبعیض‌آمیز به همراه فقدان عمق راهبردی مناسب مجموعه خصیصه‌هایی هستند که زیربنای شخصیت سیاسی این رژیم را تشکیل داده‌اند. خرید تسلیحات پیشرفته نظامی و وابستگی به آمریکا و ناتو نتوانسته است ترس امنیتی رژیم صهیونیستی را کاهش دهد. سازه سیاسی و اقتصادی تبعیض‌آمیز حاضر در اراضی اشغالی یکی از مهم‌ترین پاشنه‌های آشیل تشکیل‌دهنده ساختار قدرت این رژیم هستند. افول و زوال رژیم صهیونیستی همواره توسط نخبگان و محققان روابط بین‌الملل مورد اشاره قرار گرفته است. تهدیدات امنیتی داخلی و پیرامونی به همراه سازه تبعیض‌آمیز قدرت در داخل سرزمین‌های اشغالی دو لبه قیچی هستند که حیات رژیم صهیونیستی را با چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته‌اند.

در پژوهش پیش‌رو نگارنده به دنبال بررسی نشانه‌های زوال و عوامل فروپاشی رژیم صهیونیستی با توجه به زمینه‌ها و محیط تاریخی و منطقه‌ای که در آن حضور دارد می‌باشد. سؤال پژوهش حاضر این است که عوامل چالش‌ساز امنیتی در برابر بقای سیاسی رژیم صهیونیستی چیست؟ در پاسخ به سؤال فوق، این فرضیه مطرح می‌شود که عوامل سبب‌ساز فروپاشی رژیم صهیونیستی شامل ناامنی پیرامونی و انزوای منطقه‌ای، تبعیض‌های ساختار

داخلی و بحران ثبات سیاسی می‌شود. روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی- تبیینی است و از روش اسنادی جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. روش توصیفی- تبیینی روشی است که در آن متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری یک پدیده مشخص می‌شود و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و نحوه اثرگذاری آن‌ها تبیین می‌شود. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در استفاده از چهارچوب مفهومی جدید در تبیین دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است؛ همچنین طرح رویکرد ایشان نسبت به رژیم صهیونیستی در قالب دسته‌بندی جدید از دیگر نوآوری‌ها و ضرورت‌های دیگری است که انجام این پژوهش را مهم می‌سازد.

پیشینه پژوهش

در حوزه پژوهش‌های صهیونیست‌پژوهی و سیاست‌های منطقه‌ای این رژیم آثار متعددی به چاپ رسیده است. هر یک از آثار نوشته شده ضمن تبیین رفتار منطقه‌ای و داخلی رژیم صهیونیستی به نقاط ضعف آن نیز به صورت پراکنده پرداخته‌اند. کیهان برزگر (۱۳۹۹) در مقاله «امکان‌سنجی رویارویی نظامی رژیم صهیونیستی با ایران» به بررسی احتمال رویارویی نظامی ایران و رژیم صهیونیستی و واکنش احتمالی آمریکا نسبت به آن پرداخته است نویسنده بر این باور است که تحولات پویای منطقه‌ای و تقویت قدرت متقارن (موشکی) و غیرمتقارن بازشدن جبهه‌های جدید در محور مقاومت مسئله بقای رژیم صهیونیستی مورد چالش جدی‌تری قرار گرفته و همین امر سیاست داخلی رژیم صهیونیستی را به سمت فشار به رژیم این کشور برای مقابله با ایران هدایت می‌کند. محمدعلی محیطی اردکان و علی قانع اردکانی (۱۳۹۸) در مقاله «پژوهشی در مبانی نظری پیش‌بینی مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی رژیم صهیونیستی» به این جمع‌بندی دست یافته است که امکان نابودی رژیم صهیونیستی بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ریشه قرآنی دارد.

احمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل» پس از مقدمات و قلم فرسایی بسیار نتایج نشان می‌دهد که تاکنون رژیم صهیونیستی سیاست‌های خود را در قالب چهار راهبرد به پیش برده است که از تلاش برای همکاری فعالانه تا ستیزه‌جویی شامل شده است و جمهوری اسلامی ایران نیز دو راهبرد مشخص (جنگ‌های نامنظم برای شکستن دیوارهای امنیتی و بازدارندگی متقابل جهت

حفظ محور مقاومت) برای مقابله با این رژیم را در پیش گرفته است. میلاد زبردست (۱۳۹۷) در مقاله «سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال محور مقاومت» به این جمع‌بندی دست یافته است که از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی همواره احساس ناامنی و خطرات ناشی از همسایگان عرب امنیت و بقای آن را تهدید کرده که بر سیاست خارجی و امنیتی این رژیم تأثیر داشته است.

عرب عامری و جوادی ارجمند (۱۳۹۵) در پژوهش «بررسی تطبیقی نگاه به رژیم صهیونیستی در گفتمان سیاست خارجی ایران» به مطالعه موردی گفتمان غرب‌گرای پهلوی دوم و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی^(ره) پرداخته‌اند که تلقی از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی پهلوی دوم به‌مثابه خودی و در گفتمان سیاست خارجی اسلام سیاسی امام خمینی^(ره) به‌عنوان دیگری بوده است.

سلیمانی (۱۴۰۰) در مقاله «روندپژوهی راهبرد جنگ روانی و تهدید نظامی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران (از افشای برنامه تا پایان مذاکرات برجام)» به این پرسش پاسخ داده است که جنگ روانی رژیم صهیونیستی علیه برنامه اتمی ایران از چه ویژگی‌های خاصی برخوردار است؟ فرضیه اصلی نویسنده آن است که جنگ روانی این رژیم علیه برنامه اتمی ایران با هدف متاثرسازی مقامات تهران و واشینگتن از طریق جدی جلوه دادن سناریوی حمله نظامی علیه تأسیسات اتمی ایران، طراحی شده است.

محمدی کیا و شاکر (۱۴۰۰) در مقاله «راهبرد رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان و رویکرد جریان مقاومت» به چرایی اصرار رژیم صهیونیستی و چیستی استراتژی آن در بلندی‌های جولان پرداخته‌اند. حمایت از جنبش‌های بیداری اسلامی، حضور مستشاری و پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه به‌مثابه منطقه عمل جریان مقاومت، ماندن در نزدیکی بلندی‌های جولان و پیگیری استراتژی بازدارندگی و دفاعی جریان مقاومت با توجه به مسئله انرژی و نفت، یافته‌های استراتژیک این پژوهش‌اند. هدف پژوهش توضیح چرایی حضور رژیم صهیونیستی در جولان و رویکرد بیداری اسلامی نسبت به آن از چشم‌انداز تهدید سرزمینی و تهدید امنیت انرژی است. نوآوری پژوهش حاضر این است که در پژوهش حاضر نگارنده با دسته‌بندی عوامل سبب‌ساز تضعیف رژیم صهیونیستی به دنبال بسط ادبیات حوزه صهیونیست پژوهی در قالب پژوهشی متفاوت بوده است.

الگوی مفهومی پژوهش

فروپاشی واحدهای سیاسی در ادبیات پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل توسط محققان این دو حوزه فکری به بحث و بررسی گذاشته شده است. ظهور و سقوط واحدهای سیاسی در قالب دولت‌های مشروع و مردمی و رژیم‌های سیاسی غاصب و نامشروع در سطح تجربه‌های عینی تاریخی مطرح بوده است. فروپاشی نظام‌های سیاسی از زاویه مباحث نظری و تجربی از اهمیت زیادی برخوردار است. برای سال‌ها دولت به‌عنوان تأمین‌کننده و منبع صلح و رفاه تلقی شده‌اند. امروزه دولت‌های شکننده و فروپاشیده به‌عنوان معضل امنیتی و یک چالش اساسی برای صلح و امنیت و توسعه جهانی ارزیابی می‌شوند. از زمان پایان جنگ سرد، جامعه جهانی به‌طور فزاینده‌ای گرفتار پدیده‌ای شده است که معمولاً «ورشکستگی دولت» نامیده می‌شود؛ زیرا ورشکستگی دولت باعث ایجاد طیف گسترده‌ای از مشکلات انسانی، حقوقی و امنیتی می‌شود (Cojanu and Popescue, 2007: 113).

برای توصیف واحدهای سیاسی شکننده از مفاهیم متعددی استفاده می‌شود. در حوزه دانشگاهی و مطالعات امنیتی اصطلاح دولت‌های ضعیف دولت‌های شکست‌خورده و دولت‌های فروپاشیده به یک معنا به کار برده می‌شوند. در برخی مواقع، این اصطلاحات نشان‌دهنده درجه متفاوتی از ضعیف بودن دولت است. اصطلاح دولت شکننده به مجموع این وضعیت‌ها اطلاق می‌شود و عملاً نشان‌دهنده نبود اراده دولت یا ناتوانی آن در اعمال اقتدار، انجام دادن کارکردهای اساسی خویش و ارائه خدمات به شهروندان و سست شدن مشروعیت آن در میان مردم خود و دولت‌های دیگر در عرصه بین‌المللی است. دولت‌های شکننده برای اثبات خلاف آن چیزی که به آن معروفند و نشان دادن قدرتمندی خود، به همه حوزه‌ها چنگ می‌اندازند و کارایی در سطح بسیار نازلی را نشان می‌دهند. آن‌ها توان اجرایی بسیار ضعیفی دارند؛ درآمدشان بسیار پایین است؛ به شدت زیر فشار هستند و مشکلات زیادی دارند. در ابعاد اجتماعی دولت‌های شکننده را می‌توان از زاویه اقتصادی و سیاسی مطالعه کرد که در چهارچوب سه مفهوم اساسی اقتدار، مشروعیت و کارآمدی قرار می‌گیرند. به‌طور خلاصه دولت‌های شکننده برای تأمین امنیت شهروندان و مرزهای ملی اقتدار کارکردی ندارند. آن‌ها توانمندی‌های سازمانی لازم را برای تأمین نیازهای مادی و معنوی شهروندان کسب نکرده‌اند

و به دلیل این ناتوانی‌ها و برخی عوامل دیگر، مشروعیت لازم را برای نمایندگی مردمشان ندارند (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۳۷).

در واقع فروپاشی نظام‌های سیاسی برابر است با هرج و مرج داخلی و فقدان اقتدار کنترل‌کننده (حکومت) که در نهایت به تضعیف شدید حاکمیت می‌انجامد. مفهوم دولت شکننده به دولت‌های ضعیفی اشاره دارد که در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی آسیب‌پذیرند و حکومت‌های آن‌ها از مدیریت امور داخلی و سیاست خارجی ناتوانند. مبحث دولت‌های شکننده به شکلی دقیق، بعد از جنگ سرد مطرح شد و به آن دسته از تهدیدهای جدید امنیتی اشاره داشت که بیشتر در نتیجه منازعه‌ها، فروپاشی‌های اقتصادی و سیاست‌های شکست‌خورده دولت‌ها در لایه‌های اجتماعی، در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به وجود آمده بودند؛ شکننده شدن رژیم سیاسی به معنای این است که نهادهای رسمی دولت جایگاه و موقعیت خود را به‌عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند. این دسته از دولت‌ها، دولت‌هایی هستند که قادر به تأمین امنیت برای مردم نیستند و کنترلی بر منابع ندارند یا مهم‌تر از همه مردم حکومت آن‌ها را برای جامعه مفید و مناسب نمی‌دانند و از خواسته آن‌ها در برابر رقبا حمایت نمی‌کنند (کولایی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). رژیم‌های در حال زوال ممکن است توسط عوامل داخلی و یا خارجی و یا ترکیبی از هر دو به فروپاشی و اضمحلال دچار شوند.

یافته‌های پژوهش

با توجه به الگوی نظری فوق در ابتدا شکل‌گیری رژیم صهیونیستی بر اساس مستندات تاریخی بحث خواهد شد و در ادامه عوامل داخلی و خارجی زوال رژیم صهیونیستی و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با آن بررسی می‌شوند.

شکل‌گیری و استمرار ضایعه ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی

تأسیس حکومت صهیونیستی در اراضی فلسطینی، ریشه در هماهنگی بین قدرت‌های جهانی استعمارگر و صهیونیست‌های سرمایه‌دار دارد. از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به «توافق سایکس پیکو»^۱ (۱۹۱۶) بازمی‌گردد. طبق این توافق، فلسطین به انگلیس واگذار شد. در جنگ جهانی اول، صهیونیست‌ها به انگلیس وعده دادند تا در صورتی که بریتانیا قیمومیت فلسطین را به سازمان جهانی صهیونیسم واگذار کند آن‌ها هم آمریکا را به جنگ جهانی اول خواهند کشاند. بدین ترتیب انگلیس با این پیشنهاد موافقت کرد. با باز شدن پای آمریکا به جنگ، ارتش آلمان شکست خورد و بریتانیا که در حال شکست بود با پیروزی در جنگ از امپراتوری عثمانی و آلمان امتیاز گرفت. با فروپاشی امپراتوری عثمانی، فلسطین که مستعمره آن امپراتوری بود، تحت قیمومیت بریتانیا درآمد. در سال ۱۹۱۷، انگلیس طی «بیانیه بالفور»^۲ فلسطین را به‌عنوان «خانه ملی یهودیان» اعلام کرده و آن را به جنبش صهیونیسم واگذار نمود. بیانیه بالفور، سرآغاز تلاش برای تأسیس کشور رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی بود.

پس از این واقعه، سازمان جهانی صهیونیسم در مهاجرت یهودیان به سمت فلسطین تلاش کرد و انگلیس نیز ادعا می‌کرد که در اداره کردن فلسطین از سیاست بی‌طرفی پیروی می‌کند؛ اما جنگ جهانی دوم ماهیت این سیاست و اهداف استعماری انگلیس را برملا ساخت. در طول این سال‌ها، انگلیس همانند سابق اجازه داد تا مهاجرت یهودیان به فلسطین ادامه یابد. در دسامبر ۱۹۴۴، کمیته مرکزی حزب کارگر انگلیس اعلام کرد تبدیل فلسطین به کشوری یهودی و بیرون راندن مردم عرب آن به کشورهای مجاور لازم و ضروری است (روپوران قدسنا، ۱۳۹۹: ۲). در سال ۱۹۴۶، زمانی که حکومت انگلیس اطمینان پیدا کرد که شرایط برای تأسیس دولت یهودی در فلسطین آماده است با حمایت آمریکا و جنبش جهانی صهیونیسم مسئله را در سازمان ملل متحد مطرح کرد. به این ترتیب قطعنامه ۱۸۱ برای تقسیم فلسطین در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، صادر شد (فونتن، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

در این سال‌ها دولت هری ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در تصویب طرح تقسیم سرزمین فلسطین در سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، نقش به‌سزایی داشت و منجر به پایان

1. Sykes-Picot Agreement

2. Balfour Declaration

قیمومیت انگلستان بر این سرزمین در ۱۴ مه ۱۹۴۸ و تأسیس رژیم صهیونیستی شد. در همان ابتدا ترومن این دولت را به رسمیت شناخت و عموم مورخان به نقش مهم و حیاتی آمریکا در تأسیس رژیم صهیونیستی اذعان می‌کنند و ایالات متحده تاکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هم‌پیمان رژیم صهیونیستی بوده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۰). از زمان ریاست جمهوری ترومن تاکنون، هر یک از روسای جمهوری که در آمریکا به قدرت رسید، تعهد بر حفظ امنیت رژیم صهیونیستی را اعلام کرده و بر روابط متقابل دو دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی افزوده که در نتیجه آن روابط دو دولت در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی شکل اتحاد پیدا کرده است. «دیوید بن گوریون»^۱ به‌عنوان اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، معتقد بود که برای حفاظت از امنیت ملی رژیم صهیونیستی پشتیبانی دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی یک قدرت بزرگ، ترجیحاً ایالات متحده امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است. با استقرار و استمرار رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های فلسطینی، قدرت سیاسی در دستان نخبگان امنیتی و نظامی متمرکز شد و سران این رژیم همواره انقلاب اسلامی و محور مقاومت را به‌عنوان تهدیدات وجودی برای رژیم خود می‌پندارند.

دلایل مقابله انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب بروز تحولاتی اساسی در منطقه شد. این انقلاب از بطن مردم شروع و با شعار نه شرقی، نه غربی در اجرای سیاست‌های مستقل «لا تظلم و لا تظلمون» مبنی بر نفی ظلم‌پذیری و مبارزه با استکبار گام برداشت. انقلابی که مشی آن مبتنی بر اسلام سیاسی در ابعاد داخلی و خارجی بوده و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و مبارزه علیه رژیم صهیونیسم از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در گفتمان انقلاب اسلامی برخوردار گردید. بر همین مبنا، نظام جمهوری اسلامی از همان ابتدای استقرار نظام سیاسی، خواستار قطع کامل روابط با رژیم صهیونیستی شد. پس از آن یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای دیدار با حضرت امام خمینی^(ره) به تهران آمد و پرچم فلسطین به دست عرفات بر ساختمان نمایندگی رژیم صهیونیستی افراشته شد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۹۱). همچنین در راستای ایجاد ساختار مناسب در دستگاه‌های اجرایی کشور، قانون حمایت از انقلاب اسلامی

^۱. David Ben-Gurion

مردم فلسطین مشتمل بر هشت ماده و یک تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان نیز رسید. طبق این قانون، جمهوری اسلامی ایران ملزم شده است از مردم ستم‌دیده و آواره و مبارز فلسطین تا رسیدن به حقوق خویش به هر نحو ممکن حمایت و دفاع کند. بر اساس این قانون، جمهوری اسلامی ایران، بیت‌المقدس را به‌عنوان موطن و مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت می‌شناسد و از تمام کشورهای اسلامی تقاضا دارد این شهر را به‌عنوان مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت بشناسند. از دیگر اقدامات جمهوری اسلامی در حمایت از فلسطین، اعلام روز قدس در آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان توسط امام خمینی^(ره) بود (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

شکل‌گیری محور مقاومت با هدف مقابله با سلطه‌گری آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا هم‌زمان با توسعه‌طلبی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و به‌طور خاص در لبنان شکل گرفت. حضور حزب‌الله لبنان و دیگر گروه‌های شیعی چون امل و گروه‌های مؤتلف سنی چون «جنبش توحید اسلامی» توان ایران را در پیشبرد اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش داده و به تقویت متحدان منطقه‌ای همچون سوریه منجر شد. با تثبیت حزب‌الله در عرصه سیاسی لبنان و با حفظ ابزار مقاومت عرصه بازیگری و تأثیرگذاری ایران افزایش یافت و این امر موجب ارتقای امنیت پیرامونی جمهوری اسلامی ایران گردید (جعفرزاده، ۱۳۹۷: ۱۱۶).

سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان در چرایی نام‌گذاری رژیم صهیونیستی به غده سرطانی، معتقد است که «غده سرطانی خود و بدن را فاسد می‌کند و به نقطه معینی محدود نمی‌شود بلکه تا جایی که بتواند پیشروی می‌کند و این بدان معناست که رژیم صهیونیستی می‌خواهد جامعه‌های ما را فاسد کند؛ ملت‌های ما را بکشد و بدون هیچ حد و مرزی به توسعه‌طلبی‌های خود ادامه دهد. به همین جهت خطر رژیم صهیونیستی محدود به ثروت‌های طبیعی و سرزمین محدود نیست بلکه رژیم صهیونیستی تمامی ارزش‌های انسانی، دینی و فرهنگی تمدن اسلامی را نیز تهدید می‌کند» (نصرالله، بیانات، ۱۳۹۶/۰۴/۲۷).

نشانه‌های زوال رژیم صهیونیستی

اضمحلال رژیم صهیونیستی بر اساس تهدیدات چندسطحی که با آن‌ها رو به روست امری است که تنها خواسته بسیاری از مسلمانان منطقه غرب آسیا نیست بلکه شواهد تجربی نیز به

این امر گواهی می‌دهند. در این بخش از مقاله عوامل فروپاشی رژیم صهیونیستی در سطوح منطقه‌ای و داخلی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. کمر بند تهدیدات وجودی پیرامونی

ریشه رژیم صهیونیستی در خون کاشته شده است و نخبگان امنیتی و ژنرال‌های نظامی و همچنین روحیات نظامی گرایانه اتمسفر غالب در فضای تصمیم‌سازی این رژیم بوده است. جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی و پیروزی‌های حاصل از آن سبب نشد تا دلهره امنیتی صهیونیست‌ها پایان بپذیرد. پس از جنگ‌های کلاسیک دوره جنگ سرد نبردهای نامتقارن با گروه‌های مقاومت نقطه شروع فرسایش افتخارات و روحیات نظامی‌گرایانه رژیم صهیونیستی بوده است. رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر برای مقابله با اتصال سرزمینی مقاومت و توسعه منطقه‌ای راهبرد «نبرد بین جنگ‌ها» برای حمله و انهدام تجهیزات و توانمندی مقاومت جهت تضعیف محور را در پیش گرفت اما پس از چند سال حملات متوالی (۲۰۱۲-۲۰۲۱) بارها سران نظامی و سیاسی رژیم به ناکارآمد بودن این راهبرد اذعان کرده‌اند. وزیر سابق اطلاعات رژیم صهیونیستی درباره تعداد عملیات نظامی در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۷ گفته بود که رژیم صهیونیستی بیش از ۲۰۰ بار اقدام نظامی در خاک سوریه انجام داده است. او درباره اهداف حملات رژیم صهیونیستی در سوریه بیان کرد: «اکثر مناطقی که مورد حمله قرار گرفته‌اند در نزدیکی مرز لبنان بوده است» (Humud, 2017: 14). علاوه بر این، «آویو کوخاوی» رئیس ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی در پایان سال ۲۰۲۰، اعلام کرد که از ابتدای بحران سوریه تاکنون، رژیم صهیونیستی به حدود ۵۰۰ هدف در سوریه حمله کرده است؛ اما این تعداد حملات نتوانسته از عزم محور مقاومت و کوتاه آمدن از اهداف این محور بکاهد.

در گزارش‌های نظامی رژیم صهیونیستی که طی سال‌های اخیر منتشر شده (۲۰۱۵-۲۰۲۱) به‌طور مستمر به تجهیز حزب‌الله به موشک‌هایی با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر - که قادر است دیمونا (مرکز هسته‌ای رژیم صهیونیستی) را هدف قرار دهد - و انواع موشک‌های ضد هواپیما و ضد بالگرد اشاره شده است. تمامی نهادهای امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی بر این موضوع توافق دارند که حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطین نسبت به گذشته قوی‌تر

شده‌اند. این موضوع می‌تواند تأثیر قابل توجهی در تغییر موازنه قدرت در مقابل رژیم صهیونیستی داشته باشد (Blanford, 2017: 18).

مرکز فرانسوی «محور منطق»^۱ که در ایالت ماساچوست آمریکا فعالیت می‌کند خلاصه نسخه‌ای از گزارش سری خود را درباره جنگ ۳۳ روزه به همراه تصاویر و نقشه‌های رسمی روی خروجی پایگاه اینترنتی خود قرار داد. این گزارش به آمار خیره‌کننده تلفات و خسارات رژیم صهیونیستی در جریان این جنگ اشاره می‌کند و سانسور خبری شدید این رژیم را در انتشار اخبار تلفات نیروهای خودی برملا می‌نماید. بر اساس این گزارش رسمی در این جنگ، دو هزار و ۳۰۰ صهیونیست کشته و بیش از ۷۰۰ نفر زخمی شده‌اند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی آمار تلفات این جنگ را ۱۱۹ نفر ذکر کرده است. همچنین تعداد ۱۶۰ تانک متعلق به این رژیم منهدم شده‌اند که ۶۵ دستگاه از آن‌ها به‌طور کامل از بین رفته است. ۳۸ دستگاه از این تانک‌ها نیز از نوع مرکاوا بودند که صهیونیست‌ها ادعا می‌کردند این تانک‌ها غیرقابل انهدام هستند. در ناوشکن ساعر که توسط نیروهای حزب‌الله منهدم شد بیش از ۲۴ صهیونیست کشته شدند که رژیم صهیونیستی این رقم را چهار نفر اعلام کرده بود. برکناری بسیاری از سران ارتش از جمله «دان هالوتس» و «امیر پرتز»، انزجار جامعه یهود از دولت، بحران شدید مالی و تنش سیاسی حاکم بر تل‌آویو در کنار خسارت‌های مالی ناشی از جنگ، اضمحلال داخلی رژیم را در پی داشت. از دیگر پیامدهای جنگ ۳۳ روزه آنکه «ایهود اولمرت» در سرایشی سقوط قرار گرفت و طرح‌های صهیونیست‌ها یکی پس از دیگری در برابر مقاومت ملت فلسطین با شکست مواجه شد و سرانجام این رژیم و ادار به پذیرش واقعیت حماس و اجرای آتش‌بس با غزه گردید. فعالیت صهیونیست‌ها مبنی بر مذاکره با لبنان و سوریه درباره شبع و جولان نیز از دیگر پس‌لرزه‌های جنگ ۳۳ روزه بود (Brian Harring, 2007: 57).

تهدیدات پیرامونی رژیم صهیونیستی به کاهش عمق راهبردی این رژیم دامن زده است و احساس تهدید دائمی در اذهان نخبگان سیاسی به امری دائمی تبدیل شده است. مساحت فلسطین اشغالی، یازده درصد مساحت سوریه و دو درصد مساحت مصر است. آنچه خطر ناشی از مساحت اندک را تشدید می‌کند تمرکز جمعیت آن (به‌ویژه یهودیان) است که از

¹. axis of logic

منطقه شمالی آغاز شده و در امتداد دشت ساحلی از «عکا» تا «اشقلون» ادامه یافته است. دشت ساحلی نه تنها بخش اعظم جمعیت را در خود جای داده بلکه کلیه مراکز اقتصادی، فناوری علمی و آموزشی در این ناحیه واقع شده و روشن است که در چنین شرایطی، دفع حملات نظامی خارجی کار ساده‌ای نخواهد بود؛ به عبارت دیگر، تمرکز مراکز مهم اقتصادی سیاسی، علمی نظامی در مناطق با تراکم جمعیتی بالا واقع شده است. به همین دلیل است که رژیم صهیونیستی به دنبال انتقال برخی مراکز حساس و مهم خود به «منطقه نقب» می‌باشد (طیرانی شعریاف، ۱۳۹۹: ۶).

عملیات «وعده صادق» نخستین عملیات تهاجمی مستقیم جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم صهیونیستی با استفاده از تسلیحات بلند برد بود. این عملیات ضمن نشان دادن اراده تلافی مستقیم ایران از زاویه میزان آمادگی بازراندگی تدافعی رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده شکست نظامی این رژیم است.

عملیات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نشان داد رژیم صهیونیستی نتوانسته است تهدیدات نظامی را به خارج از مرزها منتقل کند بلکه در درون سرزمین‌های اشغالی کمربندی از چالش‌های نظامی نامتقارن همواره مانند بمب ساعتی می‌تواند ضربات ترمیم‌ناپذیری را بر پیکره این رژیم وارد سازد. بر اساس گزارش سالیانه بانک مرکزی، دولت صهیونیستی میزان خسارت‌هایی که در جریان انتفاضه یعنی از سپتامبر سال ۲۰۰۰ به اقتصاد رژیم صهیونیستی وارد آمده است به ۷ تا ۸/۵ میلیارد دلار رسید که این میزان هشت درصد کل تولید ناخالص ملی این کشور را شامل می‌شود و نیز میزان حداقلی خسارت وارده به این رژیم ۲۰ میلیارد دلار ذکر شده که خسارات فشار سنگینی را به اقتصاد بیمار اسرائیل تحمیل کرد (طیرانی شعریاف، ۱۳۹۹: ۱۷). در نتیجه عملیات اکتبر ۲۰۲۳ میلیاردها دلار از سرمایه‌های رژیم صهیونیستی از دست رفت و این سبب افزایش بار فشارهای مالی بر شهرک‌نشین‌ها و شکل‌گیری اعتراضات در شهرهای صهیونیستی خواهد شد.

در سطح فشارهای اقتصادی فرمانطقه‌ای فشار جریان‌های ضد صهیونیستی در ابعاد اقتصادی است. به‌عنوان مثال از مؤثرترین اقدامات تحریم اقتصادی لغو قرارداد شرکت‌های «وئولیا»، «اورنج» و «سی. اچ. آر» بود که مشارکت در احداث شهرک‌ها را به‌طور کامل کنار

گذاشتند. تحریم‌های «بی. دی. اس»^۱ یا همان کمپین انزوا و تحریم اقتصاد رژیم صهیونیستی، در سال ۲۰۱۴ توانست سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه را نسبت به سال ۲۰۱۳ تا ۴۶ درصد کاهش دهد. شرکت کارمل بزرگ‌ترین شرکت صادرات کشاورزی رژیم صهیونیستی بعد از تحریم‌ها علیه این شرکت مجبور شد تا کشاورزان اسرائیلی را مجبور به صادرات محصولات خود از طریق شرکت‌های دیگر کند (BDS, 2015).

۲. تبعیض‌های ساختاری داخلی

رفتارهای تبعیض‌آمیز صهیونیست‌ها با اعراب حاضر در سرزمین‌های اشغالی و شکاف‌های درون جامعه صهیونیستی از دیگر گسل‌هایی است که مستعد فوران خشم‌های فروخته ساکنین سرزمین‌های اشغالی است. به باور نخبگان صهیونیستی «اعراب اسرائیلی بمب ساعتی هستند؛ ریزش آن‌ها به سوی فلسطینی شدن کامل، آن‌ها را به فرستادگانی از دشمن در میان ما تبدیل ساخته است. آن‌ها ستون پنجم بالقوه هستند؛ در دو حوزه آماری و امنیتی آن‌ها مسئول صدمه زدن به نظام می‌باشند. بنابراین اگر دوباره اسرائیل همانند سال ۱۹۴۸ میلادی خودش را در وضعیت تهدید وجودی بیابد، ممکن است مجبور شود، آنچه آن زمان انجام داده را تکرار کند.» برخی از صهیونیست‌ها نیز بر این باورند که «اگر ما مورد هجوم مصر (بعد از انقلاب اسلامی در قاهره) و سوریه قرار گیریم و موشک‌های شیمیایی و بیولوژیکی به شهرهایمان بکوبند و هم‌زمان فلسطینی‌های اسرائیل از پشت به ما حمله کنند، ما می‌توانیم وضعیت تبعید از کشور را ببینیم» (درخشه، ۱۳۹۱: ۹۸).

احمد طیبی به‌عنوان عضو عرب کنست اسرائیل به کنایه می‌گوید: «اسرائیل، دموکراتیک برای شهروندان یهودیش و یهودی برای شهروندان عربش می‌باشد» (درخشه، ۱۳۹۱: ۱۰۰). همچنین بر اساس آمارهای مؤسسه بیمه ملی رژیم اسرائیل حدود نیمی از فلسطینی‌های اراضی اشغالی ۱۹۴۸ زیر خط فقر زندگی می‌کنند اما این آمار در میان یهودی‌ها حدود ۱۳ درصد بوده است. البته بیشترین میزان فقر در میان یهودیان نیز به مهاجران اتیوپی تبار تعلق دارد (Shaoul, 2020: 84). برخی صهیونیست‌ها ادعا دارند این رژیم به مقوله دموکراسی قومی تعلق دارد که ترکیبی از ویژگی‌های قومی مسلط و پذیرفتن حقوق دموکراتیک برای همه به

^۱. BDS

شمار می‌آید. آن‌ها دموکراسی قومی را چنین تعریف می‌کنند: «واگذاری حقوق سیاسی و مدنی معین به اقلیت‌ها در قالب سلطه نهادینه شده یک گروه قومی بر دولت» (Dowly, 1999: 173).

در سطح جامعه صهیونیستی نیز تبعیض‌های ساختاری برقرار است. تظاهرات اعتراضی به تقسیم ثروت در سال ۲۰۱۲ که در آن ۱۳ نفر خودسوزی کردند بزرگ‌ترین تظاهرات چند دهه اخیر در این رژیم است که نشان‌دهنده شکاف درآمدی در این رژیم بوده و احتمالاً موجب اعتراضات مجدد در آینده خواهد شد. در سال ۲۰۱۷ نسل دوم اشکنازیها (گروهی از یهودیان اروپای مرکزی) دارای بیشترین حقوق دریافتی بودند در حالی که دستمزد یهودیان شرقی تبار کمتر از آن‌ها و سپس شهروندان فلسطینی قرار می‌گیرند تا جایی که درآمد فلسطینی‌های مقیم اراضی اشغالی ۱۹۴۸ حدود دو سوم دستمزد متوسط یهودیان است. ضمن اینکه یهودیان اتیوپی تبار کمترین دستمزدها را در ازای فعالیت‌های خود دریافت می‌کنند (Swirski, 2019: 37).

در راهبرد صهیونیستی، بیم از فروپاشی داخلی به جای گزینه نظامی وارد شده و در کنفرانس‌های پانزدهم تا نوزدهم هرترلیا (۲۰۱۵-۲۰۱۹) آشکارا مورد تأکید سیاستمداران و کارشناسان این رژیم قرار گرفته است. در کنفرانس پانزدهم، «رئوون ریولین»: رئیس سابق رژیم صهیونیستی (۲۰۱۴-۲۰۲۱) به صراحت اعلام کرد که شکاف‌های جمعیتی و نژادی به مهم‌ترین تهدید علیه رژیم تبدیل شده است. وی این تهدید را تقسیم‌بندی جامعه رژیم صهیونیستی به طوایف چهارگانه شامل سکولارها، صهیونیسم دینی، ارتدکس مذهبی افراطی و عرب‌ها (فلسطینی‌های ۱۹۴۸) عنوان کرد که منجر به اختلاف‌ها و قطبی شدن جامعه صهیونیستی شده و عدم معالجه آن، تبعات سختی را در آینده به دنبال خواهد داشت. این چهار گروه چهار شکاف اجتماعی را ایجاد کرده‌اند که در این باره رژیم صهیونیستی با دو بحران مواجه است بحران هویت و بحران اجتماع (خبازیان، ۱۴۰۱: ۱۳۸).

۳. بحران بی‌ثباتی سیاسی

برکناری و زندانی شدن مقامات ارشد و رسوایی‌های اقتصادی بخشی از زندگی‌نامه نخبگان صهیونیستی را تشکیل می‌دهند. در کنار فسادهای شخصی وجود جریان‌های سیاسی متعارض

در برابر جهت‌گیری‌های اصلی و رسمی به هرج و مرج‌های سیاسی در داخل سرزمین‌های اشغالی دامن زده است. به‌عنوان مثال یهودیان ارتدکس و سستی هیچ‌گاه حاضر به همکاری با سران رژیم صهیونیستی نشدند و دست رد به کمک‌های مالی و حمایت‌های رژیم صهیونیستی زدند. این جریان اصیل یهودی مخالف تأسیس رژیم صهیونیستی، به جریان یهودیت ضد صهیونیسم معروف شده و به بحران‌های موجود هویتی در این رژیم دامن زده است؛ بنابراین یهودیت ضد صهیونیسم متضاد اهداف صهیونیسم است و مردم، سازمان‌ها یا دولت‌هایی که بر ضد این اهداف هستند می‌توانند با توجه به خاستگاه خود ضد صهیونیست توصیف شوند (Moghadam, 2007: 21).

در فرقه حسیدیه خاخام تیتل بوم اعلام کرد که تشکیل رژیم صهیونیستی تجاوزی علیه تعالیم یهودی بود. خاخام تیتل اعتقاد دارد که تشکیل رژیم صهیونیستی بر ضد پیمانی است که در کتاب‌های تلمود و تورات توصیف شده است. خاخام تیتل بوم مخالفت خود با صهیونیسم را راهی برای حفاظت از جان یهودیان و جلوگیری از خونریزی می‌دید (Rozen, 2001: 2008). در امتداد طیف مخالفان گفتمان رسمی، پساصهیونیسم وامدار نگرشی نوین به دوره پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی است. براساس این نگرش، راهی که صهیونیسم طی نموده راهی دشوار برای ملت یهود بوده و برای دستیابی به هدف ملی در ایجاد رژیم یهودی، بهایی گراف پرداخت شد و این درحالی است که یهودیان راه‌حل‌ها و انتخاب‌های دیگری را نیز در مقابل داشتند. آنچه در مورد این دو نگرش از پساصهیونیسم که هر دو ناظر به رد صهیونیسم یکی از طریق تشکیک در صحت روایات و اسناد تاریخی و دیگری از راه شک در بهترین راه‌حل بودن صهیونیسم مطرح است آن است که هر دو در چهره نوعی گسست با ایده‌های صهیونیستی ظاهر می‌شوند (ملک محمدی، ۱۳۷۸: ۱۲).

در چهارچوب طیف‌های ضد صهیونیستی مستقر در سرزمین‌های اشغالی، چپ‌گراها بر حق فلسطینیان و اجرای مذاکرات جهت ایجاد دو کشور در سرزمین‌های اشغالی معتقد هستند. درحالی‌که راست‌گراها بر عدم امتیازدهی به فلسطینیان و اشغال تمام سرزمین‌های فلسطین تأکید دارند. اقلیت عرب ۲۱ درصد که دارای احزاب و کرسی در کنست رژیم هستند نیز دولت رژیم صهیونیستی را به‌عنوان دولتی یهودی نمی‌پذیرد. برای احزاب ارتدکس راست‌گرای افراطی قوانین مندرج در کتاب مقدس مبنای وضع قوانین و حاکمیت قانون

محسوب می‌شود. در همین راستا چپ‌گراها و میانه‌روها بر همراهی با آمریکا در تقابل با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در مسائل هسته‌ای نفوذ منطقه‌ای و موشکی معتقد هستند؛ اما راست‌گراها مسائل مذکور را تهدید موجودیتی فوری برای رژیم صهیونیستی دانسته و بر لزوم مقابله با آن‌ها حتی بدون آمریکا، تأکید دارند (دیدعوت احرونوت، ۱۴۰۰/۱۰/۱۵).

بی‌ثباتی سیاسی در سطح استمرار و بقای کابینه‌ها و دولت‌ها در رژیم صهیونیستی شکل دیگری از بحران سیاسی است که همواره ساختار سیاسی را تهدید کرده است. طی ۷۳ سال گذشته، رژیم صهیونیستی به‌جای ۱۸ کابینه چهارساله شاهد فعالیت ۳۶ کابینه بوده و هیچ چشم‌انداز مثبت و روشنی در میانمدت برای حل این معضلات قابل تصور نیست (رضوی، ۱۴۰۰: ۱۷۱). در بازه زمانی کوتاه‌تر طی دو سال (۲۰۱۹-۲۰۲۱) چهار انتخابات پارلمانی در سرزمین‌های اشغالی برگزار شد.

زوال رژیم صهیونیستی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

امام خمینی^(ره) همواره در سخنرانی‌های خود علیه رژیم صهیونیستی از تعابیر مختلف جهت تبیین آثار منفی حضور منطقه‌ای و بقای این رژیم و تبعات استمرار حیات آن استفاده می‌کرد. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در دوره رژیم پهلوی به شاه جهت قطع ارتباط با رژیم صهیونیستی هشدار داد؛

«کراراً دولت‌ها را به‌خصوص دولت ایران را از اسرائیل و عمال خطرناک آن تحذیر نمودم. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دُول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می‌کند باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه‌کن شود. اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت، حرام و مخالفت با اسلام است. رابطه با اسرائیل و عمال آنچه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی، حرام و مخالفت با اسلام است، باید مسلمین از استعمال امتعه اسرائیل خودداری کنند (خمینی، مکتوبات، ۱۳۴۶/۰۳/۱۷).

آیت‌الله خامنه‌ای با ادامه راه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران همواره ضمن زیرسؤال بردن بقای رژیم صهیونیستی به اهداف این رژیم، راه‌حل‌های مقابله و چگونگی روند زوال آن پرداخته‌اند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی محدود به مرزهای آن نمی‌باشد و سراسر منطقه در نقشه توسعه‌طلبانه صهیونیست‌ها قرار دارد؛

«هدف اسرائیل، توسعه است. دولت صهیونیستی به سرزمین فلسطین فعلی هم قانع نیست. اول یک وجب جا می‌خواستند، بعد نصف زمین فلسطین را گرفتند، بعد همه سرزمین فلسطین را گرفتند، بعد به کشورهای همسایه فلسطین - مثل اردن و سوریه و مصر - تجاوز کردند و زمین‌های آن‌ها را گرفتند. الان هم هدف اساسی صهیونیسم، ایجاد اسرائیل بزرگ است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۰/۱۰/۱۳۷۸).

اهداف رژیم صهیونیستی ریشه در ماهیت آن دارد. تروریستی و خشن بودن هویت رژیم صهیونیستی سبب شده است تا سیاست‌های منطقه‌ای ظالمانه بخش جدایی‌ناپذیر رفتار صهیونیست‌ها در تعامل با محیط پیرامونی باشد؛

«صهیونیست‌ها فلسطین غصب‌شده را از روز اول به یک پایگاه تروریسم تبدیل کرده‌اند. اسرائیل نه یک کشور، که یک پادگان تروریستی علیه ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان است. مبارزه با این رژیم سفاک، مبارزه با ظلم و مبارزه با تروریسم است و این وظیفه‌ای همگانی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۷/۰۲/۱۴۰۰).

روند زوال نظامی رژیم صهیونیستی بخشی از فرایند اضمحلال این رژیم است که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در قالب مثال‌های میدانی و تاریخی توضیح داده شده است؛

«امروز پس از تجربه [جنگ] ۳۳ روزه در لبنان و تجربه [جنگ‌های] ۲۲ روزه و ۸ روزه در غزه، به ارتشی که «رنگ پیروزی را نخواهد دید» تبدیل شده است. وضعیت سیاسی آن، که ناگزیر از چهار انتخابات در دو سال است و وضعیت امنیت آنکه به‌طور پی در پی دچار شکست می‌شود و میل روزافزون یهودیان به مهاجرت معکوس، مایه فضاقت آن رژیم پرمدعا شده است. تلاش پیگیر با کمک آمریکا برای عادی‌سازی با چند کشور عربی، خود نشانه دیگری

از ضعف آن رژیم است و البته این هم کمکی به او نخواهد کرد. ده‌ها سال پیش از این با مصر رابطه برقرار کرد؛ از آن روز تاکنون رژیم صهیونیستی بسیار آسیب‌پذیرتر و ضعیف‌تر شده است؛ در نقطه مقابل روند نزولی رژیم، افزایش توانایی‌های جبهه مقاومت، بشارت آینده درخشان است: افزایش قدرت دفاعی و نظامی، خودکفایی در ساخت سلاح‌های مؤثر، اعتماد به نفس مجاهدان، خودآگاهی روزافزون جوانان، گسترش دایره مقاومت به سراسر کشور فلسطین و به بیرون از آن، خیزش اخیر جوانان در دفاع از مسجدالاقصی، و انعکاس توأمان مجاهدت و مظلومیت ملت فلسطین در افکار عمومی بسیاری از مناطق جهان» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۰۲/۱۷).

ناتوانی رژیم صهیونیستی در برابر مجاهدین فلسطینی و نیروهای نظامی مقاومت درحالی‌که از لحاظ تجهیزات نظامی برتری کمی دارد یکی دیگر از نشانه‌های زوال و انحطاط ساختار قدرت این رژیم به شمار می‌رود. به باور ایشان نیروهای مقاومت در درون سرزمین‌های اشغالی توانسته‌اند اشغالگران را به عجز و ناتوانی دچار سازند؛

«مبارزات مردم فلسطین در داخل سرزمین فلسطین، برای رژیم صهیونیستی، شکننده و کوبنده است؛ ستون فقراتشان را می‌شکافد. چرا؟ به خاطر اینکه این‌ها به یهودیانی که از سراسر دنیا در این منطقه جمع کرده‌اند، وعده دادند که در اینجا امنیت و راحتی و زندگی خوش هست و گفتند بیاید در اینجا آقای کنید؛ اما حالا این‌ها طاقت برخورد با این نسل نوحاسته و صاحبان اصلی این سرزمین را که امروز بیدار شده‌اند ندارند. ارکان نظام صهیونیستی متزلزل است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰).

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دلایل متعددی سبب شده است تا روند زوال رژیم صهیونیستی به‌طور کامل طی نشود و تاکنون این رژیم به حیات خود ادامه دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به دلایل سطح جهانی و منطقه‌ای اشاره کرد؛

«رژیم صهیونیستی از درون خود نیرویی ندارد، قدرتی ندارد، توانایی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل رژیم صهیونیستی را سر پا نگه داشته است: یکی حمایت بی‌قید و شرط وقیحانه آمریکا از این رژیم منحط و

دیگری حمایت نکردن دولت‌های عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومت‌ها و دولت‌های مسلمان، امروز آنچنان که باید به وظیفه خود در قبال فلسطین عمل نمی‌کنند و با ملت‌هایشان هم‌صدا نیستند. اگر آن‌ها هم با ملت‌های خود هم‌صدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه به کلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملت‌هاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

راهکار تسریع زوال و اضمحلال رژیم صهیونیستی در بُعد سخت‌افزاری، هم‌افزایی نظامی در نیروهای مقاومت و کمک کشورهای مسلمان به آن‌ها جهت تشدید فشارهای تسلیحاتی بر رژیم صهیونیستی است. این امر با توانمندی نیروهای مقاومت بارها به اثبات رسیده است؛ «اگر همه امکانات جهان اسلام و حتی بخشی از آن در این مسیر به کار گرفته شود، ما شاهد زوال و نابودی رژیم صهیونیستی خواهیم بود. اسرائیل در جنوب لبنان از یک مقاومت چند هزار نفره شکست خورد. درست است که حزب‌الله، امتداد مردمی عمیقی داشته و به هنگام ضرورت توانسته است هزاران، بلکه ده‌ها هزار نیرو را بسیج کند؛ ولی به‌طور مستمر فقط از چند هزار، بلکه گاه از چند صد نیرو در محورهای رویارویی با اشغالگران صهیونیست بهره برده است؛ یعنی اسرائیل و همه امکانات نظامی آن و فناوری تسلیحاتی و پیشرفته‌اش - که به زرادخانه آمریکا متصل است - از چند صد جوان با ایمان و پُرشور که از سلاح‌های بسیار ابتدایی در جنگ بهره می‌برند، شکست خورد. البته سلاح قوی و شکست‌ناپذیر آن‌ها سلاح ایمان بود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۲/۰۴).

در بُعد مبارزه نرم‌افزاری با رژیم صهیونیستی جهت تسریع سرعت فروپاشی آن پیشنهادات آیت‌الله خامنه‌ای به جامعه جهانی و کشورهای مسلمان منطقه در ادوار گذشته همواره مطرح شده است؛

«برای مسئله خاورمیانه هم یک راه بیشتر وجود ندارد و آن انحلال و زوال دولت صهیونیستی است. باید آواره‌های فلسطینی به کشورشان برگردند. این

هشت میلیون نفر، صاحبان اصلی فلسطین هستند. البته اکثریت قاطع مردم فلسطین، مسلمانند و در میانشان تعداد کمی هم از فلسطینی‌های یهودی و مسیحی هستند. صاحبان فلسطین و ملت فلسطین، دولت تشکیل دهند؛ آن دولت تصمیم بگیرد که آیا مهاجرانی را که از سایر کشورها به داخل فلسطین آمده‌اند و در حال حاضر در آنجا هستند...» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰).

آیت‌الله خامنه‌ای در سطح منطقه‌ای یکی از ابزارهای نرم برخورد با رژیم صهیونیستی را در همگرایی کشورهای مسلمان جهت بستن منافذ تنفسی این رژیم دانسته‌اند؛ «آن‌ها هستند که دارند اختلاف ایجاد می‌کنند بایستی متوقف بشود و نگذاریم برای رژیم صهیونیستی، با این کارها حاشیه امن درست کنند. یکی از آرزوهای دشمنان دنیای اسلام این است که در داخل دنیای اسلام، اختلافات، دعوای، جنگ و خون‌ریزی وجود داشته باشد، برای اینکه حاشیه امنی برای صهیونیست‌ها درست بشود؛ از این مانع بشویم و تا آنجایی که می‌توانیم، نگذاریم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۱۰/۲۶).

در مجموع در کنار راهکارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برخورد با رژیم صهیونیستی، راهکار مبارزه ترکیبی در راهبرد مقابله‌جویانه آیت‌الله خامنه‌ای در برابر رژیم صهیونیستی به‌صورت خلاصه و روشن توسط ایشان مطرح شده است؛

«خط کلی مبارزه با رژیم غاصب باید این باشد؛ الف. زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش؛ ب. تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقق پیروزی نهایی.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۲/۰۴).

نتیجه‌گیری

نظام سلطه به رهبری آمریکا مهم‌ترین دلیل بقای رژیم صهیونیستی و عدم زوال آن در دهه‌های اخیر بوده است. خرید تسلیحات غربی و حمایت‌های سیاسی در مجامع بین‌المللی سبب شده است جنایت‌های رژیم صهیونیستی استمرار داشته باشد و حمله به غزه در سال

۲۰۲۳ با ده‌ها هزار شهید مورد توجه سران کشورهای غربی قرار نگیرد. همچنان که سایر جنایت‌های رژیم صهیونیستی نیز فارغ از آزرده شدن وجدان حقوق بشری محافل قدرت در غرب ادامه یافت. این پیوند ارگانیک بین صهیونیسم منطقه و نظام سلطه جهانی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است؛

«امروز مبارزه با رژیم صهیونیستی، مبارزه با استکبار است، مبارزه با نظام سلطه است. همچنان که می‌بینید شما که علیه رژیم صهیونیستی حرف می‌زنید، آن مسئول و سیاستمدار آمریکایی، احساس دشمنی و خصومت با شما می‌کند؛ احساس می‌کند که به او ضربه زده‌اید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۳۱).

راه‌حل آیت‌الله خامنه‌ای از تنوع خاصی جهت احقاق حقوق مردم فلسطین برخوردار بوده است. ایشان در یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی بحث ابزارهای انتخاباتی جهت تعیین حق سرنوشت مردم فلسطین و جمع شدن بساط رژیم صهیونیستی را مطرح کرده‌اند؛

«ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد می‌کنیم و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را. ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۷/۰۹).

اضمحلال رژیم صهیونیستی امری است که می‌تواند با توجه به عواملی چالش‌سازی که در محیط پیرامونی و داخلی آن وجود دارد به وقوع بپیوندد. محیط پیرامونی تهدیدآمیز، ساختارهای داخلی تبعیض‌آمیز و بی‌ثباتی سیاسی از جمله عواملی هستند که باعث فرسایش توانمندی‌ها خواهند شد. نبردهای نامتقارن با حماس و حزب‌الله و عملیات اکتبر در سال ۲۰۲۳ نشان داده است که اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش رژیم صهیونیستی نادرست است و زنجیره‌ای از ضعف‌های داخلی و تعامل پرچالش با محیط پیرامونی در نهایت می‌تواند به اضمحلال این رژیم بینجامد.

فهرست منابع

- جعفرزاده، امید (۱۳۹۷). تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۴۵.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۰۲/۰۴). بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸/۱۰/۱۰). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰/۰۲/۱۷). بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۱۰/۲۶). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۳/۳۱). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها.
- خبازیان، مهدی (۱۴۰۱). تحلیل تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی، نشریه آفاق امنیت، سال ۱۵.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۴۶/۰۳/۱۷). صحیفه امام خمینی، جلد دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- درخشه، جلال (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی ساختاری رژیم صهیونیستی با تأکید بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال سیزدهم، شماره ۲۰.
- رضوی، سلمان (۱۴۰۰). پراکنندگی‌های قومی-مذهبی در رژیم صهیونیستی و جایگاه آن‌ها در جامعه و سیاست (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال ششم، شماره ۱.
- طیرانی‌شعرباف، محمدرضا؛ درخشه، جلال (۱۳۹۹). فرایند دولت-ملت‌سازی در اسرائیل؛ چالشی در مسیر ماندگاری و بقا، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۲.
- کولایی، الهه (۱۳۹۶). دولت‌شکننده در عراق و امنیت زنان، سیاست، دوره ۴۷، شماره ۱.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۸). اندیشه پساصهیونیسم ابهامی از یک گذر یا گسست، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۱.

- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸). دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴.

- BDS movement (2015), "BDS marks another victory, veolia sells all Israeli operations", Available at: bdsmovement.net/news/bds-marks-another-victoryveolia-sells-all-israeli-operations
- Blanford, Nicholas. (2017). "Countering this Violent Transnational Movement: Responses and Scenarios". Report Subtitle: From Lebanese Militia to Regional Player. Middle East Institute (2017). From: <http://www.jstor.com/stable/resrep17563.5>
- Brian Harring. (2007), "Israeli Invasion of Lebanon: Fact and Fiction", Axis of logic, Thursday, Apr 5, 2007.
- Cojanu, Valentin, Popescu, Alina Irina. (2007). Analysis of Failed States: Some Problems of Definition and Measurement, The Romanian Economic Journal, Year X, no. 25 bis.
- Moghadam, Assaf (August 2007), "Post-Zionism and Israeli Politics: A briefing by Limor Livnat". Middle East Forum
- Rozen, Jeremy (2008), 'Bulletin of the School of Oriental and African Studies', Volume 71, Issue 2. University of London. School of Oriental and African Studies.
- Shaoul, Jean (2020), "Israel's deepening poverty, social inequality ignored in election campaign", Available at: <https://www.wsws.org/en/articles/2020/02/29/isra-f29.html> Swirski, Shlomo, et al (2019), "Israel: A Social Report 2018", Available at: <https://adva.org/en/socialreport2018>